



قیمت اشتراک سالیانه در ایران
یک تومان
در سایر ممالک
پنج فرانک

کافج

۱۳۲۴

این روزنامه هر دو هفته یکبار
نشر میشود
عنوان مر اسلات
Redaktion Kaveh:
Berlin-Charlottenburg
Leibnizstr. 64

* * * Jahrg. 3 • Nr. 28 • 15. Mai 1918 * ۴ شعبان ۱۳۳۶ هجری = ۷ دی ماه ۱۲۸۷ زردگردی = پنجشنبه ۷ دی ماه ۱۲۸۷ زردگردی * * *

گشت و در ایالات آسیای جنوبی وی نیز مانند قفقاز و ترکستان احتمال قوی می‌رود که سعی و کوشش ملتون محلی مشر نتیجه مطلوبه گردیده و آنان نیز از استقلال کامل یا اقلاً از بسیاری از حقوق و آزادیها بر خوردار گردند. ما قبل از شروع بشرح روابط ایران و روس در دو قرن اخیر محض مزید اطلاع شمه از تاریخ روسیه بیان میکنیم:

خلاصه تاریخ روسیه

روسهای امروزی هم مانند ما ایرانیها و اغلب اروپائیها از نژاد هند و اروپائی هستند و در میان طوایف هند و اروپائی نیز از طایفه هستند که موسوم است به «اسلاو». اسلاوها یک قرن قبل از هجرت از دامنه جبال کارپات که در شمال دشت هنگری واقع است سرازیر شده و بطرف نواحی که امروز باسم روسیه مشهور است روان شدند و کم کم در قرن پنجم و ششم هجری بنواحی وسطی روسیه (مسکو و غیره) رسیدند. پس از آن در قرن هشتم تا دهم هجری بحوزه دوینا^(۱) شمالی که مجاور اقیانوس منجمد شمالی است رسیدند و بالاخره

روس و ایران

صلح متحدین با روسیه سرگرفت. در عظمت ظاهری و جهانگیری این مملکت پهناور شکست آمد. خطری که از طرف پترسبورگ متوجه عالم عموماً و شرق خصوصاً بود سپری شد. ممالکی چند از قبیل قتلاند ولهستان و اوکرائی دوباره قد زندگانی علم نمودند و ممالک دیگری نیز در کار جدا شدن از روسیه هستند. پنجه قهری که گوی ایران را تقریباً دوپست سال بود میفشرد یکمرتبه در آستین فرو رفت. نتیجه آن همه کردارهای زشت و خونریزیهای دوپست ساله جانشینان پترکی که تذکار آن سالیان دراز باز خوانندگان تاریخ را متأثر و متألم خواهد نمود در عرض یک سال انقلاب از بیست و یکم جمادی الاولی ۱۲۳۵ که روز استغای نیکلای دوم بیستین پادشاه سلسله رومانوف است تا ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۳۶ که روز امضای صلح متحدین با روسیه است یکمرتبه بر باد رفت. دست اقتدار روسیه از چندین ایالت اروپائی خود که از حیث تمدن و ثروت بهترین ایالات روسیه و دارای ۱۰۰ میلیون جمعیت بودند کوتاه

Dvina (۱)

فلاحی نه صنعتی یعنی محصولات بیشتر محصولات زمینی است نه کارخانه‌ها. همان طور که فرانسه را صرافخانه دنیا و آلمان را کارخانه دنیا مینامند روسیه را نیز مانند ممالک متحده آمریکا انبار گندم دنیا مینامند. خلاصه در قرن اخیر تجارت در روسیه ترقی بسیار نمود چنانکه در ظرف نیم قرن ده برابر شد باین معنی که از سال ۱۲۱۵ تا ۱۲۴۰ میزان متوسط سالیانه آن ۱۱۲۳۰۰۰۰۰۰۰ منات بود و نیم قرن بعد (از ۱۲۹۱ تا ۱۳۱۷) ده برابر شده و عبارت بوده است از ۱۰۰۹۱۹۰۰۰۰۰۰ منات و از این رو در اوایل قرن ۱۴ هجری روسیه در تجارت دنیا مقام ششم را داشته است. در مقام صنعت کارخانه هم اگر چه چنانکه گفته شد روسیه مملکتی است فلاحی ولی باز در این نیم قرن اخیر از حیث صنعت هم خیلی ترقی نموده و بنا به «صورت کارخانجات» که از طرف وزارت مالیه روس در سال ۱۳۱۸ نشر شده عدد کارخانجات روسیه در آن تاریخ ۱۴۰۰۰ بوده است. و همچنین کشتیهای تجاری این مملکت در مدتی اندک بسیار زیاد شد چنانکه در اواسط قرن اخیر ظرفیت تمام کشتیهای تجاری روسیه ۳۳۰۰۰۰۰۰ خروار بوده و در سال ۱۳۱۸ به ۲۷۳۰۰۰۰۰۰ خروار رسیده یعنی ۹ برابر شده است.

خلاصه این بود مختصراً اوضاع دیروزی روسیه ولی نتیجه سلطنت استبدادی و سیاست جهانگیری آن شد که امروز یک مرتبه چندین ایالت از جمله متعولترین و متمدنترین ایالات آن مملکت با ۵۰ میلیون جمعیت از آن سلطنت جدا شده و هنوز هم معلوم نیست که کشمکشهای داخلی دسته‌های مختلف کار آن مملکت را بکجا بکشاند.

روابط ایران و روسیه

در میان ملت‌ها و مملکت‌هایی که میدان هوسرانی و جور و تمدنی روسیه بودند ایران ما یکی از بیچاره‌ترین آنها بود که بمناسبت دوری از اروپا فریاد و ناله‌اش نیز بگوش کسی نرسید و مدافع و یاری پیدا ننمود. اکنون که دست جور روسیه بنظر می‌آید دیگر از ایران کوتاه گردیده باشد بی مناسبت نیست که نظر مختصری بصفحات تاریخ روابط روس و ایران در دو بیست سال اخیر انداخته و بینیم روسیه بر سر ایران چه آورده است.

تأیید از پتر کیر روابط ایران و روسیه که بمملکت مسکو مشهور بود منحصر بود بروابط تجاری و اگر گاه گاه سفیری نیز از آن مملکت بایران می‌آمد در حقیقت تاجری بود که محض مجاز بودن از حقوق راهداری و غیره باین اسم می‌آمد. شرح درباره شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۸-۱۱۰۶) و بحضور آمدن ایلچی مسکوی در کتاب مسافرت شاردن^(۱) بایران (جلد اول) بخوبی درجه تمدن و مقیاس روابط روس و ایران را در آن عهد میرساند که دولت روسیه بنظر ایرانیان چه کم قدر بود. ولی وقتی که سلطنت روسیه پتر کیر چهارمین پادشاه سلسله رومانوف

در قرن یازدهم از کوه اورال نیز که سرحد آسیا و اروپاست عبور نموده و بطرف سبری و مشرق اقصی رهسپار شدند.

مورخین تاریخ روسیه را به سه قسمت منقسم نموده‌اند: قسمت اول را «عهد کیو»، دوم را «عهد مسکو» و سوم را عهد «پترسبورگ» نامیده‌اند. در «عهد کیو» که از قرن سوم تا هفتم هجری طول کشید روسها هنوز از نواحی شمالی دریای سیاه دورتر نرفته بودند. مرکز عمده آنها همان کیو پایتخت کنونی اوکراینی بود. این عهد عموماً بدفاع از حمله تاتارها و سایر طوایف آسیای گشت. در عهد دوم «عهد مسکو» که روسها بنواحی وسط روسیه (مسکو و غیره) رسیده بودند باز در سال ۶۳۵ هجری تاتارها روسیه را استیلا نموده و بیشتر از دو قرن مالک رقاب روسها شدند و فقط در سال ۸۸۵ ایوان سوم شاهزاده (دوک) بزرگ مسکو کامیاب براندن تاتارها گردید. تاتارها در آن وقت بسیار جنگی بودند و تنها ملتی بودند که از روی بعضی قواعد علمی جنگ مینمودند و حتی یک نویسنده فرانسوی میگوید «تاتارهای قرن ۱۳ (میلادی) حکم پروسهای قرن ۱۸ (میلادی) را داشتند». و هم میتوان گفت که کسانی که اساس یک روسیه متحد و مجموعی را برپا نمودند شاهزادگان مسکو نبودند بلکه خوانین تاتار بودند که ایالات و ولایات مختلفه روسیه را با هم متحد نموده و آنها را در تحت حکومت شاهزاده ایالت مسکو قرار دادند. قسمت مهم این عهد بزد و خورد و نزاع بین سرکشان محلی ایالات و شاهزادگان مسکو میگردد تا عاقبت در سه قرن پیش در سال ۱۰۲۲ میخائیل رومانوف^(۱) از طرف ملت باسلطنت برگزیده شد و سر سلسله پادشاهانی گردید که نیکلای دوم آخرین آنها در سال گذشته مجبور باستعفا از سلطنت شد. مشهورترین این پادشاهان پتر کیر چهارمین پادشاه این سلسله است که از سال ۱۰۹۳ تا ۱۱۳۸ سلطنت نمود و همان وقتی که شاه سلطان حسین صفوی اسباب ذلت ایران را فراهم می‌آورد وی اساس عظمت یک مملکت وسیعی را برقرار مینمود که از پرتو همان اقدامات خردمندانه کم یکی از معظمترین دول دنیا گردید. مهمترین اقدامات پتر کیر را مورخین ایجاد قشون مستمر، تابع ساختن قوای روحانی را بمقام سلطنت و ترویج صنایع و آداب زندگانی اروپائی را در روسیه میدانند. و هم وی شهر پترسبورگ را بنا نمود که بقول پوشکین^(۲) شاعر معروف روس پنجره ایست بروی اروپا. در اواخر عهد پتر مملکت روسیه ۱۳ میلیون جمعیت داشت و ۲۰۰۰۰۰ نفر قشون ولی جانشینان وی مدام بر خاک آن افزودند تا آنکه قشونش به دومیلیون و نیم و جمعیتش به ۱۵۰ میلیون رسید و از وسیعترین ممالک دنیا شد یعنی وسعت آن یک سلس تمام پنج قطعه زمین و ۲ برابر و نیم اروپا گردید.

اوضاع اقتصادی روسیه

از حیث اقتصاد هم روسیه ترقی بسیار نمود. باید دانست که عموماً روسیه نیز مانند ایران خودمان و برخلاف آلمان و انگلیس مملکتی است

(۱) Chevalier Chardin

(۲) Pouchkine Michael Romanoff

استفاده نموده و تصرف نموده بودند ملک عثمانی شناخته میشد و هم در عهد نامه مزبور مقرر گردید که اگر طهماسب با مواد عهد نامه همراه است ویرا سلطنت بقیه ایران دهند و الا شاهزاده دیگری را بسلطنت بشناسند. عهد نامه که در ربیع الاول ۱۱۴۰ بین اشرف افغان و دولت عثمانی در اسلامبول بسته شد عهد نامه روس و عثمانی ۱۱۳۶ را رسماً شناخت.

بعدها پس از سپری شدن دوره تسلط افغان از ایران (۱۱۴۲) شاه طهماسب پس از شکست خوردن از قشون عثمانی در نزدیکی همدان در زیر سرپرده احمد پاشا فرمانده قشون عثمانی در ۱۹ رجب ۱۱۴۴ عهد نامه با دولت عثمانی بست و در آن عهد نامه عثمانها در مقابل اراضی تازه که از ایران بدست آنها میافتاد قول میدادند که بایران کمک قشونی نموده که روسها را از آن سر زمین بیرون نمایند. ولی کسی که روسها را از ایران بیرون کرد نادر شاه بود که پس از پرداختن خاک ایران از قشون عثمانی و متارکه نامه ۱۲ رجب ۱۱۴۶ روسها را نیز مجبور بتخلیه گیلان نمود و شرح این مسئله آنکه نادر در سال ۱۱۴۰ در طلب تخلیه خاک ایران سفیری بدربار خورشید کلاه (کاترین دوم) ملکه روسیه فرستاده بود و پس از فتوحات عمده که نادر در حوالی آن تاریخ نمود خورشید کلاه سلامت را در صلح و صفا دیده امر تخلیه گیلان را داد و با نادر عهد نامه بست و مطابق آن عهد نامه محال گیلان تا سالیان که در طرف جنوب رودخانه کر واقع است متعلق بایران و باکو و دربند و محال آن طرف کر بتصرف روس در آمد.

از آن پس پنجاه سالی در روابط ایران و روس تازه رخ نمود ولی همیشه تحت و تاج آغا محمد شاه را مسلم گشت (۱۲۰۰) از نو گفتگو بین ایران و روس شروع شد و جهت آن بود که در هرج و مرجی که پس از نادر (۱۱۶۰) در ایران بروز کرد ارکلی خان (هراکلیوس) والی گرجستان تبعیت روسیه را قبول کرده (۱۱۹۷) و خوانین ولایات همسایه خود را نیز بهمدستی خویش میخواند. و هم در همان سال کاترین دوم ملکه روسیه در اشرف تجارتخانه برپا نمود و معلوم بود که در خیال بسط اقتدار خویش در ایران است. آغا محمد شاه در سال ۱۲۱۰ گرجستان را استیلا نمود و تفلیس بدست قشون ایران افتاد. ولی در بهار همان سال در موقعی که آغا محمد شاه مشغول تصفیه امور خراسان بود کاترین بسرکردگی والریوس سویف^(۱) که در ایران بناسبت آنکه یک پای وی از طلا بوده معروف بقزل ایاغ است قشونی مرکب از ۴۳ هزار نفر بتلافی بمحدود ایران فرستاد. این قشون از دربند و باکو و گنجه گذشته از ارس عبور نموده بنغان آمدند و بنای تهدید گیلان و عراق عجم را گذاشتند. ولی در همین اوقات (۱۲۱۱) کاترین بمرد و پل اول جانشین وی قشون روس را واپس خواند و در مدت سلطنت این پادشاه صلح و صفا بین دو مملکت برقرار بود ولی همیشه دوره سلطنت بجانشین او اسکندر اول (۱۲۱۶) رسید دو باره زد و خورد شروع گردید. در سال ۱۲۱۸ که

رسید زمانی بود که سستی و نادانی شاه سلطان حسین اقتراض سلطنت صفویه را نزدیک و صفحه ایران را عرصه تاخت و تاز افغانه نموده بود. این هرج و مرج پتر کیر را نیز بطمع انداخت که در این آب گل آلود صیدی نماید و سفیری بدربار ایران فرستاد که جبران بعضی خسارتها را که در موقع یغمای شامخی (۱۱۳۴) از جانب طایفه لکرتیه برعایای روس وارد آمده بود مطالبه نماید و خسارات مذکور را به ۴ کروور منات تخمین کرده بودند. سفیر مذکور آرتمی ولینسکی^(۱) وقتی باصفهان رسید که شاه سلطان حسینی در میان نبود و سلطنت با محمود افغان بود. وی نیز جواب داد که او را بر لکرتیه اقتداری نیست و این مسئله بهانه بدست پتر داد و ۳۰۰۰۰ لشکر منظم و همان مقدار هم چریک بسرکردگی خود پتر در ۸ شوال ۱۱۳۵ از رود ولکا داخل دریای خزر شده و ۱۳ روزه بمصب رودخانه ترک رسیده و پس از دست یافتن بر لکرها از گردنه های کوههای قفقاز گذشته و وارد داغستان گردیدند و در ذی الحجه همان سال «در بند» را که بقول مورخین دروازه ایران بود گرفتند. در همین موقع بود که پتر کیر بیان نامه خطاب بمردم آن صفحات نوشت که اظهارات دیروزی دولت مستبده روس و امروزه انگلیس را بخاطر میآورد: بیان نامه مزبور مبنی بود بر آنکه اراده اعلیحضرت امپراطور گرفتن ملک و خاک نیست بلکه حفظ تجارت و حمایت تبعه روس است و پس از این وقایع خود پتر کیر بطرف پایتخت خود برگشت ولی قشون روس کم کم بر باکو و گیلان و مازندران و استراباد یعنی بر تمام سواحل جنوبی بحر خزر دست یافت ولی نا همواری آب و هوای آن صفحات موجب هلاکت قسمت مهم قشون روس گردید و بقول مورخین کلیه آن نواحی «قبرستان قشون روس» شد.

هم در آن اوقات طهماسب میرزا پسر شاه سلطان حسین صفوی که در اوان محاصره اصفهان از طرف افغانها از آن پایتخت گریخته و برای استرداد ملک از دست رفته خود دست و پا مینمود دو سفیر یکی پیتربورگ و دیگری باسلامبول فرستاد که برای خارج نمودن افغانها از ایران طلب یاری نمایند. سفیری که پیتربورگ رفته بود اسمعیل بیک نامی بود که در ۱۲ محرم ۱۱۳۶ با پتر کیر عهد نامه بست که مطابق آن داغستان و شیروان و گیلان و مازندران و استراباد بروسیه تعلق میگرفت و در عوض دولت روس هم وعده میداد که افغانها را از ایران بیرون نموده و طهماسب میرزا را بسلطنت برساند.

پیشرفت روسها در ایران دولت عثمانی را متزلزل داشته و داماد ابراهیم پاشا وزیر سلطان احمد سوم علما و اعیان را جمع کرده و بر آن شدند که با روسیه بنای جهاد را بگذارند ولی سفیر فرانسه دُ بُناک^(۲) در میان افتاد و عهد نامه اسلامبول ۲ ذی القعدة ۱۱۳۶ را بین روسیه و عثمانی بامضا رساند. مطابق این عهد نامه داغستان و قسمت شمالی شیروان و ایالات گیلان و مازندران ملک روس و ولایات شمال غربی ایران یعنی ارمنستان و آذربایجان و کردستان تا کرمانشاهان و همدان که در همان اوقات عثمانیها از پریشانی اوضاع ایران

Valérius Zoubof (۱)

De Bonnac (۲) Artemi Volynski (۱)

سال ششم سلطنت فتحعلی شاه بود سردار تیزیاتف^(۷) که در ایران معروف بایشپخدر است شیروان را گرفت و بباکو نزدیک شد ولی در ۲ ربیع الثانی ۱۲۲۱ بدست حسینقلی خان حاکم باکو بقتل رسید و سر و دست او را بپهران فرستادند (۶ ذی الحجه ۱۲۱۸) و اصطلاح معروف «مگر سر ایشپخدر آورده» از آن وقت باقی است.

در مقارن این اوقات در سال ۱۲۲۵ عهد نامه اتحادی بین ایران و عثمانی برضه روسیه بسته شد و دو مملکت با روسیه مشغول زد و خورد شدند ولی عثمانیان شکست خوردند و سلطان محمود دوم مجبور شد در بخارست عهد نامه صلحی با روسیه ببندد (۱۲۲۷) و از همان تاریخ بسارای از عثمانی مجزا شد.

ولی زد و خورد ایران و روس پس از کشته شدن ایشپخدر باز ۷ سال طول کشید و عاقبت منجر شد بصلح و عهد نامه که در تاریخ ۹ شوال ۱۲۲۸ در گلستان که اسم محلی است در قزاقستان بسته شد. بنای این عهد نامه بنا بفصل دوم آن بر روی استاتوس کوو پرزنتیوم^(۸) بود یعنی «هر موضع و جایی که الی قرار داد مصالحه الحال بوده است از آن قرار باقی و تمام اولکای ولایات خوانین نشین که تا حال در تحت تصرف و ضبط هر یک از دولین بوده کما کان در تحت ضبط و اختیار ایشان بماند»^(۹). از این رو «ولایات قزاقان و گنجه که الآن مستی بالیزابت پول و اولکای خوانین نشین شکی و شیروان و قبه و دربند و باکو و هر جا از ولایات طالش که الآن در تحت تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان و گرجستان و محال شوره گل و آجوق باش و کورنه و منگریل و ابخاز و تمامی الکا و اراضی که در میان قفقازینه و سرحدات معینه الحاله بود و نیز آنچه از اراضی و اهالی قفقازینه الی کنار دریای خضر متصل است مخصوص و متعلق دولت امپریه روسیه»^(۱۰) گردید. علاوه بر اینها بنا بفصل پنجم این عهد نامه احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روسیه حق داشتن کشتی جنگی در دریای خزر ندارد.

از آن پس مدت ۱۲ سال دیگر ایران و روس باشتی و مسالمت با هم گذراندند ولی در سال ۱۲۴۰ روسها اظهار داشتند که ناحیه شمال غربی دریای کاسپیه از توابع ایروان داخل در حده تقسیم روس است و امپراطور نیکلای اول که پس از فوت اسکندر اول (۲۱ ربیع الاول ۱۲۴۱) بتخت نشست بمشکوف را بعنوان سفارت بدربار ایران فرستاد که در ضمن اعلام جلوس امپراطور در رفع اختلافات نیز کوشش نماید ولی علما و مجتهدین اعلان جهاد نمودند و در اواخر ذی الحجه آن سال زد و خورد شروع شد. فتح اول با ایرانیان بود ولی در آخر کار روسها پیش برده و بتبریز وارد شدند و از آنجا هم گذشته بطرف قافلان کوه روانه شدند و ایران را مجبور بمهد نامه ترکن جای نمودند که در پنجم ماه شعبان ۱۲۴۳ هجری در شانزده فصل گذشت. فصل

سوم آن عهد نامه از قرار ذیل است: «پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهدان کل الکای نخجوان و ایروان را خواه این طرف رود ارس خواه آن طرف بدولت روسیه واگذار مینماید». از فصول مهم دیگر فصل ششم است: «اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بتلافی خسارت دولت ورعیت روسیه مبلغ ده کروور نقد که عارت از بیست ملیان منات سفید روسی است قرار داد - وجه الحساره پردازد -».

فصل هفتم این عهد نامه نیز که مبنی بر تصدیق ولیعهدی عباس میرزاست از جانب روسیه اهمیت سیاسی بسیار دارد. خلاصه آنکه عاقبت این جنگ که نتیجه جوش و خروش بیجای روحانیون بود برای ایران بسیار وخیم گردید و منای معاملات و روابط ایران و روس همین عهد نامه شوم ترکن جای گردید که هنوز هم هست^(۱۱).

در همان سال انعقاد عهد نامه (۱۲۴۳) باز نادانی «عوام بیسر و پا»^(۱۲) نزدیک بود که آتش جنگ را بین دو دولت روشن نماید و شرح این واقعه آنکه در پنجم رجب آن سال گریایدوف نامی بعنوان سفارت از پترسبورگ وارد پایتخت ایران گردید که شرایط مصالحه را بیای برد ولی رفتار زشت او موجب غوغای عوام و غضب علما گردید و در ۲ شعبان سفارت روس با وجود اقدامات جدی دولت ایران مورد هجوم مردم گردیده و گریایدوف با ۳۷ نفر از کسان او کشته گردیدند ولی ملسوف نام نایب اول سفارت که از آن میانه جان بدر برده بود در دربار روس تصدیق بمقتضی گریایدوف نمود و کار با عذر خواهی دولت ایران بتوسط سفیر مخصوص خود خسرو میرزا پسر عباس میرزای نایب السلطنه و مهاجرت حاجی میرزا مسیح مجتهد سر دسته این غوغا بتبات تصفیه پذیرفت.

در دوره سلطنت محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴) روابط بین دو دولت دوستانه بود. روسها برای وصول باجرای مقاصد خود در آسیای مرکزی دوستی با ایران را لازم میدانستند و در این راه اقدامات گوناگون مینمودند و از آنجمله بود خواستاری نیکلای اول امپراطور روسیه در سال ۱۲۵۴ دیدار محمد شاه را که بفرستادن ولیعهد خود ناصرالدین میرزا که آن وقت هفت ساله بود اکتفا نمود. نیکلای اول بهزم زیارت اوچ کلیسیا بققاز آمده بود و در ایروان با ناصر الدین میرزا ملاقات نمود و با او پدرانۀ رفتار و باتباع وی محبت و ملاطفت بسیار کرد و در ناسخ التواریخ (جلد قاجاریه) مسطور است که «ولیعهد را در بغل داشت و با او همی فرمود که هر چه میخواهی از این عم یی بزرگ خود بخواه که بر هر چه دست دارد از تو دریغ نخواهد داشت».

در عهد ناصر الدین شاه همچشی روس و انگلیس در ایران بر شدت خود افزود. تا سال ۱۳۰۹ که مسئله انحصار دخانیات بیک شرکت

(۱) اگرچه بنا باظهارات رسمی و کتبی که در ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۶ از طرف دولت روس بتوسط ترسکی سفيرت ایران در پترسبورگ شده است این عهد نامه هم باطل و بی اثر گردیده است.

(۲) نامه دولت ایران بسردار بسقوویچ (ناسخ التواریخ جلد قاجاریه).

(۱) Titsianof

(۲) Status quo praesentium (۳) ناسخ التواریخ جلد قاجاریه.

(۳) فصل سوم عهد نامه گلستان نقل از ناسخ التواریخ جلد قاجاریه.

تحت ریاست سر تپ سنارسکی^(۱) بشهر وارد نمود و چندی بعد در ۱۹ جمادی الآخره همان سال نیز ۲ الی ۳ هزار قشون در اتزلی پیاده نمودند. متحصن شدن محمد علی میرزا را هم در ۲۴ ماه مذکور در موقع فتح ملی در سفارتخانه روس باید از جمله وقایع مهم مربوط بروابط روسیه و ایران بشمار آورد. حضور قشون روس در ایران بر نفوذ روسیه در ایران روز بروز میافزود. دولت ایران باز در ۱۲ شعبان ۱۳۲۸ از دولت روس مطالبه نمود که قشون خود را از ایران برگرداند ولی دولت روس امر را موکول بپایه امتیازاتی نمود (۱۸ شعبان) و حتی روزنامه تأییس هم برضد این توقع پرخاش کرد. روسها بر مداخلات خود در امور داخلی ایران مدام میافزودند. اتمام حجت مشهور ۱۴ ذی القعدة ۱۳۲۹ روس بایران تقاضای عذر خواهی بمناسبت اهانتی که ادعا میکردند در موقع ضبط اموال ملک منصور میرزای شجاع السلطنة از طرف قراسورانی خزانه داری بقزاقهای روس وارد آمده با دنباله که این مسئله پیدا نمود و منتهی شد بخارج شدن شوستر امریکائی از خدمت ایران و قبول ایران مواد اتمام حجت مذکور را (۱ محرم ۱۳۳۰) درد انگیزترین دورها را در سلسله روابط ایران و روس بنظر میآورد. در آن زمان عده قشون روس در ایران به ۱۲ هزار نفر تخمین شده بود. هم در آن موقع ایرانیان در نقاط مختلفه مانند رشت واتزلی وتبریز با روسها بنای زد و خورد را گذاشتند و مخصوصاً در تبریز کار بالا کشید و در ۲ محرم روسها شهر را گلوله باران نمودند و در دهم آن ماه چندین تن از بزرگان وطن پرستان را بدار زدند. دنباله این کشت و کار بدرازا کشید و بعضی از ولایات دیگر آذربایجان نیز زهر آن بیداد فراموش نشدنی را چشیدند. علاوه بر آذربایجان در ایالات دیگر نیز از قیل گیلان و خراسان از طرف روسها رفتارهای ناهنجاری سر زد که سالیان دراز اسباب شناعت و خجالت حکومت تزاری خواهد ماند و مخصوصاً توپ بستن حرم مطهر در مشهد (۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۰) از جمله وقایع تاریخی است. در ۳ شعبان ۱۳۳۲ باز دولت ایران یاد داشتی در چهار ماده بدولت روس فرستاد و عزل صمدخان شجاع الدوله مراغه را که بیاری روسها حکومت آذربایجان یافته بود و عدم مداخله مأمورین روسی را در امور مالیاتی ایران و عدم خریداری ملک بتوسط تبعه روس و تخلیه خاک ایران را از قشون روس مطالبه نمود. دولت روس در اوایل رمضان فقط عزل صمد خان را قبول نمود. دولت ایران باز در ۲۷ ذی القعدة ۱۳۳۲ که اوایل جنگ عمومی باشد یاد داشتی بدولت روس راجع بیطرفی ایران ولزوم تخلیه ایران از قشون روس فرستاد ولی روسها جواب موافقی ندادند و در ۱۴ ذی الحجة سال مزبور شهیندر عثمانی را در تبریز توقیف نمودند و در ۲۴ همان ماه قشون روس از قشون عثمانی که تازه وارد ایران شده بود در حوالی خوی شکست خورد و بعدها در اواسط ماه صفر بعضی از نقاط شمالی ایران را از قیل تبریز و اورمیه و خوی و مازندران و خراسان و قزوین را

Znarsky (۱)

انگلیسی بنا بامتیاز نامه ۱۶ رجب ۱۳۰۷ و زمین خوردن آن بمناسبت غوغای علما و مجتهدین بمان آمدکار انگلیسها در ایران پیش بود ولی مسئله تنباکو آنها را تا اندازه زمین زد و روسها جلو افتادند. ولی قبل از این تاریخ راجع بروابط روس و ایران بعضی اتفاقات رخ داده که دارای اهمیت است. روسها در سال ۱۲۵۶ جزیره آشور آده را در دریای خزر متصرف شده بودند ولی گفتگوی ایران و روس بر سر این مسئله خیلی دنباله پید کرد و تا دوره ناصر الدین شاه هم رسید. ناصر الدین شاه در سال ۱۲۷۱ رسماً تخلیه جزیره را از روسها مطالبه نمود ولی دولت روس مسئله تخلیه را رد نموده و تنها بتصدیق نمودن بآنکه جزیره خاک ایران است قناعت نمود. از آن بعد روسها مدام بر قوای خود در جزیره مذکور افزودند و در سال ۱۲۸۳ که ناصر الدین شاه سفر خراسان نمود اقدامات روسها را در خصوص نظم امور ترکها تصدیق کرد. در همان سال روسها در صدد بر آمدند که در بندر جز ساخلو بگذارند ولی دولت ایران مانع گردید. در سال ۱۲۸۶ روسها کرانساودسک (اوزون آده) را تصرف نمودند. خلاصه آنکه پیشرفت بی دربی روسها در ایالات ماوراء خزر و رسیدن آنان بنواحی ترکمن مخصوصاً در موقعی که پس از شکست حمزه میرزای حشمة الدوله از این طایفه در مرو (۱۲۷۶) دولت ایران از انقیاد آنان مأیوس شده بود ایران را مجبور نمود که با دولت روسیه در محرم ۱۲۹۹ عهد نامه آخال را ببندد که مبنای سرحد شمال شرقی کنونی ایران است.

از این تاریخ بعد سر تا سر سرحد شمالی ایران بدون فاصله با روسیه مجاور گردید و میدان کار برای روسها در ایران باز شد. در اواخر عهد ناصر الدین شاه نفوذ روسها در ایران خیلی پیشرفت نمود. شرکت لیانازوف در ۱۲۸۵ امتیاز شیلات سواحل جنوبی بحر خزر را گرفت و در ۱۲۹۷ قزاقخانه معروف در ایران ایجاد گردید و در ۱۳۱۰ امتیاز ساختن راه اتزلی بقزوین بیک شرکت روسی داده شد.

در عهد مظفر الدین شاه دولت ایران یک رشته قروض (۱۳۱۸-۱۳۲۰) از دولت روسیه نمود که اولین نتیجه آن ایجاد بانک روس شد در ایران که اثرات سیاسی بسیار مهم داشت. امتیازات متعددی دیگر از قیل امتیاز معادن قراجه داغ (۱۳۱۶) و خطوط تلگرافی و غیره روز بروز بر نفوذ دولت روس در ایران بیفزود.

پس از طلوع مشروطه در ایران دولت روسیه که اصلاً بر ضد آزادی و ترقیات قدرت ملی بود بر شدت اقدامات خود در ایران بیفزود مخصوصاً که شاه وقت محمد علی شاه نیز کمک تزاری در زد و خورد خود بر ضد مشروطه طلبان گرانها میدانست. دولت روس در ۲۲ رجب ۱۳۲۵ با انگلیس عهد نامه بسته و ایران را به منطقه قسمت نمودند. مجلس اول بزور قزاق و صاحبمنصبان روسی بهم خورد (۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶). در موقع ظهور شورش در تبریز در موقعی که محاصره شهر شدت پیدا کرده بود روسیه در ۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷ قشونی در

تخلیه نمودند ولی باز در ۱۹ ربیع الاول قشون روس وارد تبریز شد. کم کم در اواسط ۱۳۳۳ دامنه جنگ عمومی ایران نیز کشیده شد و منتهی شد بوقایع و حوادثی که شرح آن متدرجاً در شماره‌های «کاو» داده شده و در اینجا در تکرار آن لزومی دیده نمی‌شود.

امروز پس از سرنگون شدن تخت و تاج تزاری که موجب آن همه مصیبت‌ها بود روابط ایران با روس رنگ دیگری گرفته و اولیای کنونی امور روسیه استقلال تام و تمام ایران را شناخته و از کردار حکومت‌های سابق روسیه نسبت بایران اظهار شرمندگی مینمایند و وعده‌های ملاطفت آمیز و مهربانی در مرمت گذشته‌ها میدهند. ولی مملکت روسیه هنوز بازیچه جزر و مدهای انقلاب است و نمیتوان گفت غنان امور عاقبت در کدام سرپنجه مقتدری خواهد افتاد همینقدر است که آن دورهای تاریک و مدهنش سپری گشته و از این بعد ایران بایک روسیه دیگری سر و کار خواهد داشت.

نظر اجمالی باوضاع ایران

همان رویه درشت و ظالمانه‌را که در عهد استبداد تساری روسها در ایران داشتند حالا بدون فرق انگلیسها شعار خود ساخته زجر کشی و جبر و تحکیم را از هانجا که آنها ترک نمودند اینها در دست گرفته‌اند. یعنی بعد از آنکه بنای تشدد و زیاده روی روسی در ایران بهم شکست و عهد نامه سال ۱۳۲۰ بواسطه حکومت بولشویکی عاقل و باطل گشت، و بعد از آنکه دولت انگلیس در عهده تعویق بودن همان عهدنامه‌ها بدولت ایران اعلام نمود، بفاصله خیلی کم چهره حقیقی انگلیسی از پس پرده پندار ظاهر و تمدنی و زیادتی نسبت بایران شروع گردیده با کمال وضوح معلوم شد که مقصود دولت انگلیس از نسخ عهد نامه ۱۳۲۰ - که منطقه‌های نفوذ برای دولت روس و انگلیس معین میکرد - فقط این بوده است که هیچوجه پای بندی در میان نداشته (اگرچه تاحال هم هیچوقت نداشته‌اند) و دست تعرض را بدون هیچ مانع و عایقی بهر طرف ایران بخواهند آزادانه دراز نمایند. خیلی هم خنده دارد که انگلیسها اقدامات جابرانه آخری را با یک نطق لورد کرزن در مجلس لوردها که نویدها و امیدها بدولت ایران میداد شروع کردند و بدین وسیله یک مرتبه دیگر مدلل شد که آنها نه نمایندهای قوی فقط برای چشم بندی ایرانیان و مخصوصاً یک دسیسه بیش‌ترانه در مقابل افکار عمومی دنیا بوده است و بس. چنانکه این مسئله از وقایع اخیر ایران که ما در این نزدیکها بدست آورده و بجملی از آنرا ذیلاً مینگاریم با کمال خونی روشن و آشکار میگردد:

انگلیسها در حوالی اورمیه یک قوه نظامی مرکب از افراد ارمنی و جلو^(۱) که غالباً از خاک عثمانی هجرت کرده‌اند تهیه مینمایند. این قوه در

(۱) کلدانیهای عثمانی که در موقع جنگ بایران مهاجرت نموده‌اند و اغلب سبب نا امنی و مایه فتنه و فساد و آلت دست اجانبند.

زیر بیرق انگلیسی و فرماندهی صاحب منصبان فرانسوی و با اسلحه روسی کار کرده و با پول انگلیسی اداره میشود. و مقصود انگلیسها از تشکیل این قوه فقط در دست داشتن نقاطی است که از قشون روسی تخلیه میشود، چنانکه سرتیپ باراتف فرمانده قشون روس در ایران که با رشوه انگلیسها از دولت خود روگردان شده است اخیراً اظهار داشته که او فقط جاهاتی را از ایران تخلیه میکند که قشون انگلیس قدم بگذارد. قوه سابق الذکر اخیراً با ایرانیها طرف شده و در حوالی سلماس و خوی و اورمیه جمع کثیری را بقتل رسانده است. و نیز انگلیسها بکرمانشاه و همدان و از آنطرف بخراسان و سیستان و تربت حیدری قشون فرستاده و تمام اعتراضات دولت را در این باب پشت گوش انداخته و ابداً طرف اعتنا قرار نمیدهند. و علاوه بر این بدولت ایران اطلاع داده‌اند که بسایر نقاط هم قشون فرستاده و بتصرف خواهند در آورد. در کرمانشاه قونسول انگلیس اتصالاً میان ایلات اطراف رفته با رؤسای عشایر در مراوده است و میخواهد بهر دسیسه هست آنها را با خیالات خود - خصوصاً در مسئله تشکیل یک قوه نظامی دیگری بنام پلیس غرب - همراه نماید و کارکنان انگلیسی نیز راجع باین مسئله سخت در کار تحریر و ترغیب هستند. در رشت نیز ایرانیها قونسول انگلیس را با مدیر بانک انگلیسی بموض شاهزاده سلیمان میرزا که چندی پیش از طرف انگلیسها در کرمانشاه گرفتار و بیفاد فرستاده شده است گرفتار نموده‌اند (بنا ببحرهای اخیر مستخلص شده‌اند).

براین تائب قونسول سابق دولت روس در خوی از طرف دولت بولشویکی بسفارت طهران معین گردیده است. مشارالیه بعد از ورود طهران بدولت ایران اعلام نموده که بنام دولت متبوعه خود در ازای معاهدات سابق میان دولتین ایران و روس که فعلاً نسخ شده حاضر است یک «معاهده با شرمانه» (۲) با دولت ایران عقد نماید.

در ولایاتی که از طرف نظامیان دولت روس مورد صدمه و خسارت واقع گردیده انجمنهای تعیین خسارت تشکیل و نظامنامه در این باب از طرف دولت نوشته و بانها فرستاده شده است و با وجود این نظامیانی که در زیر فرماندهی سرتیپ باراتف میباشند در بعضی نقاط از نهب و قتل اهالی دست برنداشته‌اند.

در اصفهان و کرمانشاهان که از قشون روسی تخلیه شده است تفاوت کثی در ترخ اجناس حاصل و قحط و غلا رو بسکونت میباشند. در فارس ناخونی و با تحفیف یافته و آقا میرزا ابراهیم محلاتی مجتهد معروف فارس در شیراز وفات کرده است.

در آذربایجان حاجی محتمم السلطنه حکمران مشغول ترتیب و تنظیم امور ایالتی است.

در تبریز عزیز الله خان چاردولی معروف بصمصام مراغه‌را که مرتکب دزدی و قتل و غارت بوده است بعد از محاکمه بدار زده‌اند. میرزا عبد الله خان مأمور تشکیلات نظمیه آذر بایجان مدرسه پلیس در تبریز دایر نموده و محاله هفتاد نفر از جوانان مذهب در آنجا مشغول

انگلیس و فرانسه در راه حفظ آن حوالی که علاوه بر اهمیت جنگی پرشت‌ترین سرزمین زغال سنگ فرانسه هم هست هر روز باز قدمی فراتر نهاده بشهر آیر^(۱) در بلژیک که در تاریخ میدان جنگ غرب دارای اهمیت بسیار است نزدیکتر گردید چنانکه کوه گمل^(۲) که نقطه بسیار محکمی بود در ۱۵ رجب با ۶۰۰۰۰ اسیر گرفته شد و در ۳ روز بعد (۱۸ رجب) خبر رسمی آلمان می‌گفت که قشون آلمان به ۱۳۰۰ ذری آیر رسیده است.

در همان بین که قشون آلمان در روی خشکی عرصه را بر دشمن تنگ گرفته زیر دریایی‌های آلمانی هم دست از کار خود نکشیده و هر روزه چند کشتی رهسپار دیار عدم مینانید چنانکه در ماه اخیر فرنگی (مارس) که از ۱۸ جادی الأولى تا ۱۹ جادی الآخرة می‌باشد ۶۸۹،۰۰۰ تن (۲،۰۶۷،۰۰۰ خروار) غرق نموده‌اند.

بنا بنابر رسمی آلمانی ۹ رجب نتیجه یک ماهه یورش در میدان غرب ۱۱۷،۰۰۰ اسیر و ۱۵۵۰ توپ و ۲۰۰ اتوموبیل زرهپوش است. و باز بنا به همین خبر عده کثیری اسرانی که در آن روز در دست متحدین بوده ۳،۴۵۰،۰۰۰ نفر بوده است.

دیگر از اخبار مهمه این اواخر مسئله قرض هشتمی است که ملت آلمان بدولت خود داد و مقدار آن از تمام قرضهای پیش افزون

تحصیل هستند. و برای جلوگیری از احتکار نانواها در هر یک محله تبریز انجمن تقش نانواخانها از طرف خود اهالی ترتیب داده شده که بتوسط آنها فقرای هر یک محله را نام نویسی کرده بترتیب پته بهر کدام نان مساوات میدهند و از این قرار بهبودی کثی در امر نان حاصل و ازدحام جلو دکانین نانوائی کم شده است.

از قرار خبر اخیر هیئت وزرا در اواسط رجب عوض شده و مجدداً در تحت ریاست نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری از این قرار تشکیل یافته:

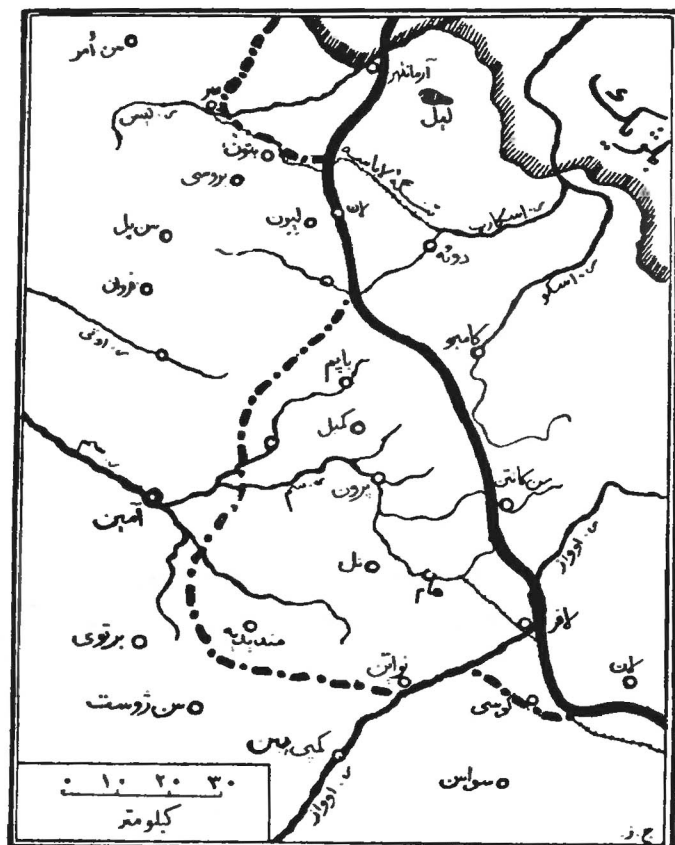
صمصام السلطنه (نجفقلی خان) بختیاری رئیس الوزرا و وزیر داخله،
امیر مفتاح (لطیفعلی خان) بختیاری... وزیر جنگ،
مشاور الممالک (علیقلی خان)... وزیر امور خارجه،
نیر الملک (رضاقلی خان)... وزیر عدلیه،
حکیم الملک (میرزا ابراهیم خان)... وزیر علوم،
مشار الملک (میرزا حسن خان)... وزیر مالیه،
مشار السلطنه (اسد الله خان)... وزیر پست و تلگراف،
معین الوزاره (میرزا حسین خان)... وزیر فواید عامه و تجارت و اوقاف و فلاحه،
مستشار الدوله (میرزا صادق خان) وزیر بی شغل.

وقایع جنگ فرنگستان

در این اواخر غرض توپ میدانهای جنگ در فرانسه و بلژیک روی سایر صدها را گرفته و گوش علیان بزنگ است که اخبار روزانه جنگ برسد و معلوم شود قشون آلمان باز در کدام نقطه میدان پیشرفت نموده است.

در شماره اخیر «کاوه» گفتیم که تا ۲۰ جادی الآخرة که سیزدهمین روز یورش آلمانها در میدان غرب بود علاوه بر ذخیره و قورخانه و آذوقه بی اندازه ۷۵۰،۰۰۰ اسیر و ۱۶،۰۰۰ توپ بدست قشون آلمان افتاده بود. ولی باید دانست که تلفات دشمن چندین برابر عده اسرا بوده است چنانکه بنا باخبار رسمی هلاند تا ۱۶ جادی الآخرة یعنی پس از یک هفته یورش تلفات انگلیسها از بابت مقتول و مجروح تنها ۱۲،۰۰۰ نفر بوده که با اسرا بیش از یک کروار میشود.

پس از آنکه قشون آلمان در سینه فرانسه بیش از ده فرسخ پیشرفت نمود چند روزی در میدان جنگ بالنسبه آرامی و سکونی پدیدار گردید ولی همه کس میدانست که این آرامی ظاهری است و مشقت آهین هیندنبرگ بلند است تا بکجا پائین آید. ناگهان در ۲۸ جادی الآخرة صدای توپ یورش آلمان از قسمت شمالی میدان جنگ در حوالی سرحد فرانسه و بلژیک شنیده شد. دو روز بعد شهر آرماتیر که از حیث نقطه مستحکمه جنگی دارای اهمیت بسیار بود بدست آلمانها افتاد و در عرض این دو روز باز ۲۰،۰۰۰ اسیر و ۲۰۰ عراده توپ نصیب قشون آلمان گردید. از آن پس قشون آلمان با وجود یا فشارهای سخت قشون



خط جنگ پیش از یورش آلمان
خط کنونی جنگ
میدان جنگ، غربی

Kemmel (۲) Ypern (۱)

بارۀ قوم دولت آشور. - ضمیمه دوم یادداشت راجع بتحقیقات جدید در تاریخ آشور.

از دو جلد آخری کتاب مزبور یکی راجع بتاریخ اشکانیان و دیگری راجع بساسانیان است و عنوان آنها این است^(۱):

۱ - ششمین دولت بزرگ عالم شرقی یعنی تاریخ و جغرافی و آثار سلسله اشکانیان.

۲ - هفتمین دولت بزرگ عالم شرقی یعنی تاریخ و جغرافی و آثار سلسله ساسانیان و یا سلطنت جدید در ایران.

این جلد هفتم که راجع بتاریخ ساسانیان است بهمت مرحوم ذکاء الملک بفارسی ترجمه گردیده (در ۱۳۱۴ در طهران جزو سالنامه آنسال بچاپ رسیده است). - مرحوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه نیز در تألیف کتاب درر التیجان فی تاریخ نبی الأشکان از مطالب جلد ششم جورج راولنسن استفاده کرده است.

وفات

حاج محمد تقی شاهرودی در خاک سنجابی در گذشت. ایران یکی از با وفا و با صداقت ترین اولاد خود را گم کرد. مشار الیه مرحوم در عالم خود یگانه بود صاف و درست، امین و باسرف، وطن پرست و مشروطه طلب و با گذشت بود. در تاریخ مشروطیت ایران کمتر نظیر این مرد پیدا میشود.

حاج محمد تقی شاهرودی اصلاً اصفهانی و مدتی در شاهرود اقامت داشته و بعدها از تجار محترم طهران بود و بواسطه ارتباط و دوستی که با مرحوم مرتضی قلیخان صنیع الدوله پیدا کرده بود بافکار جدیده مأنوس شده و در پی جلب کارخانه بایران بهرامی صنیع الدوله افتاده بود. از ابتدای انقلاب ایران مشار الیه از پیشقدمان بوده در تمام این مدت از سال ۱۳۱۴ باین طرف از مجاهدین طریق آزادی و مشروطیت و وطن پرستی بود. در مجلس ملی اول از طرف تجار وکیل بود در استبداد صغیر (۱۳۶۹) جزو متحصنین سفارت عثمانی برای سی در استرداد مشروطیت و در زمان مجلس دوم از ارکان مشروطیت بود و بتأسیس جریده ایران نوکک زیادی کرد (۱۳۲۸). در سال (۱۳۳۳) جزو مهاجرین سیاسی از طهران در اوایل ماه محرم آنسال هجرت کرده بقم رفت و از آنجا با سایر مهاجرین تاکرمانشاه و بغداد رفت و بالأخره در ماه جمادی الاولای گذشته با نام نیک بمرض نوبه وکیل در گذشت.

نام نیکو گر بنامند زادمی
به کرو ماند سرای زر نگار.

و معادل بود با ۱۴،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ مارک که بحساب پول ایرانی اگر مارک را ۲ قران و نیم که دست کم قیمت مارک پیش از جنگ بود حساب کنیم ۳،۶۳۷،۵۰۰،۰۰۰ تومان (هفت هزار و دویست و هفتاد و پنج کرویر تومان) میشود. و تفصیل ذیل اهمیت این مبلغ را بهتر محسوس میدارد: اگر فرض نمائیم که تمام این مبلغ اسکناس ۱۰ تومانی باشد و کسی بخواهد از قرار هر ثانیه یک اسکناس تحویل بگیرد در صورتیکه هر روز ده ساعت لاینقطع مشغول تحویل گرفتن باشد ۲۸ سال طول خواهد کشید.

با این قرض هشتم مجموع قرضی که تا بحال ملت آلمان بدولت خود داده است ۸۷،۵۱۱،۰۰۰،۰۰۰ مارک (۲۱،۸۷۷،۷۵۰،۰۰۰ تومان) میشود. این بود مختصر وقایع مهمه تا ۴ رجب و ما محض مزید بصیرت نقشه ساده نیز از پیشرفت قشون آلمان در میدان فرانسه در فوق رسم نمودیم.

بهترین تألیفات فرنگیها

در بارۀ ایران

- ۴ -

۲ - کتاب سلطنتهای بزرگ قدیم شرق^(۱)

تألیف جورج راولنسن^(۲)

جورج راولنسن که در سال ۱۲۲۷ متولد شده و در ۱۳۲۰ وفات یافته مدت ۲۸ سال در دار الفنون اوکسفورد انگلستان معلم تاریخ قدیم بوده است و تألیفات زیادی راجع بتاریخ ملل قدیم از قبیل مصریان و فینیکیان و آشوریان نوشته. ولی مهمترین کتابهای او در بارۀ ایران جلد پنجم و ششم و هفتم است از یک دوره تاریخ که در بارۀ ملل قدیم عالم شرقی تألیف کرده است موسوم بسلطنتهای قدیم مشرق. جلد پنجم و ششم و هفتم این کتاب راجع بایران است اگرچه در جلد های دیگر نیز از ایران بر حسب استطراد ذکری میآید ولی جلد پنجم که مخصوص ایران قدیم است بی اندازه مفید است و ششصد و پنجاه عکس و دو نقشه دارد. پنج قسمت اولی این کتاب در چهار جلد است که جلد چهارم مخصوص تاریخ ایرانیان قدیم است پیش از زمان اسکندر که بنا بقول مورخین شرق تاریخ خاندان پیشدادیان و کیان میباشد.

این جلد دارای هفت فصل و دو ضمیمه است بقرار ذیل:

- (۱) وسعت مملکت ایران. - (۲) آب و هوا و محصولات ایران.
- (۳) اخلاق و عادات و طرز لباس و زینت مردم ایران. -
- (۴) زبان و خط ایرانیان. - (۵) معماری و صنایع دیگر. - (۶) دین ایرانیان. - (۷) تقویم و تاریخ ایران. - ضمیمه اول یادداشت در

a) The sixth great monarchy of the ancient eastern World. . . . Parthia, (۱) London 1873. b) The seventh great monarchy of the ancient eastern World or Sassanian, London 1876.

The five great monarchies of the ancient eastern World. 4 Vol. (۱) London 1871.

Georges Rawlinson (۲)